

خاطره بازی با بیوک میرزایی به بهانه سال ها فعالیتش در رادیو و تلویزیون

توانایی ایفای هر نقشی را دارم

زهراسلواتی

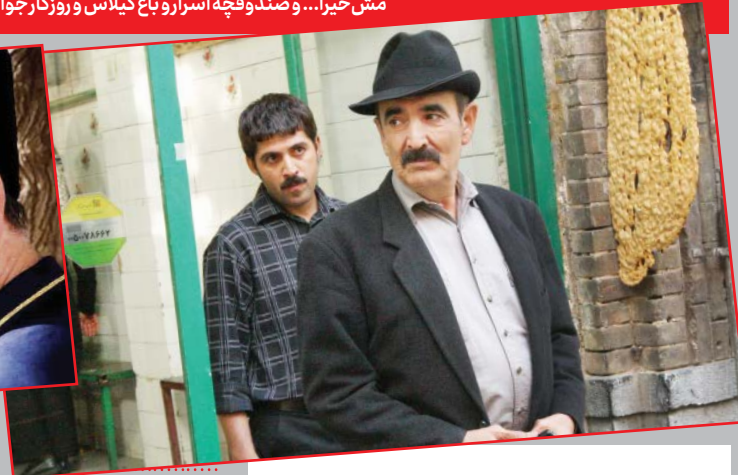
خبرنگار



نقش های منفی هم می تواند قدرت و تسلطش را عرضه کند. این بازیگر که آخرین نقش آفرینی اش در تلویزیون به سریال آتش و باد مجتبی راعی بازمی گردد، معتقد است که بازیگران قدیمی باید حضور پررنگ تری در مجموعه های نمایشی داشته باشند و از تجربه و توانایی آنها استفاده بیشتری شود.

و مدار صفر درجه و کلاه پهلوی. میرزایی همچنین یکی از گویندگان برنامه های رادیو مانند صبح جمعه با شما و قصه شب است. مخاطبان قاب کوچک، میرزایی را بیشتر با نقش های منفی به یاد می آورند. چهره، فیزیک و صدای این هنرمند شاید عاملی بوده تا نقش های منفی به او سپرده شود. میرزایی خودش اعتقاد دارد که یک بازیگر با

صدای و چهره بیوک میرزایی برای شنوندگان و بینندگان رادیو و تلویزیون آشناست. این هنرمند پیشکسوت طی فعالیت بیش از ۴۰ ساله اش در تلویزیون، بازی در بعضی از خاطره انگیزترین و ماندگارترین سریال ها را تجربه کرده است. از سایه همسایه و گرگ ها گرفته تا آپارتمان و مش خیرا... و صندوقچه اسرار و باغ گیلان و روزگار جوانی



سریال مورد علاقه خودتان کدام است؟

از سریال خاصی نمی توانم اسم ببرم. مثلاً در سریال مدار صفر درجه، نقش شخصیت عجیبی را بازی می کردم. عباس آقای سریال روزگار جوانی هم مثنی بود. در باغ گیلان، یک لمپن بی سواد بودم. در آقای دلار، یک فروشنده دلار بودم. همه این نقش ها را دوست دارم. مثلاً من سریال سایه همسایه را در ۳۳ سال قبل بازی می کردم، اما هنوز هم نسلانم هم بازپخش سریال را می بینند و یادشان هست که چه نقشی داشتم. مردم هنوز هم این سریال های قدیمی را دوست دارند.

یکی از نقش آفرینی های ماندگار تان به سریال پهلوانان نمی میرند و نقش اصلاص به عنوان سردسته راهزنان برمی گردد.

این نقش چه جایگاهی برای خودتان دارد؟

بازیگران و عوامل پهلوانان نمی میرند حرفه ای بودند. متن قوی ای داشت و کارگردانی هم عالی بود. مردم این سریال را خیلی دوست داشتند.

همکاری شما با حسن فتحی در سریال مدار صفر درجه هم ادامه پیدا کرد؟

آقای فتحی جزء کارگردان هایی است که سریال های ویژه می سازد. همیشه با نیروهای حرفه ای کار می کند و با من درست کار درست می سازد.

یکی دیگر از نقش های ماندگار تان هم به سریال آپارتمان مربوط می شود. در زمان خودش خیلی پر بیننده بود.

آپارتمان هم سریال خیلی خوبی بود. باعث تأسف است که کارگردانی مثل اصغر هاشمی الان باید بیکار باشد. بازیگران خیلی خوبی مثل پرویز پرستویی و امین حیایی در این سریال بودند. قصه سریال برای مردم باور پذیر بود.

معمولاً مردم شما را بیشتر با کدام نقش تان به یاد می آورند؟

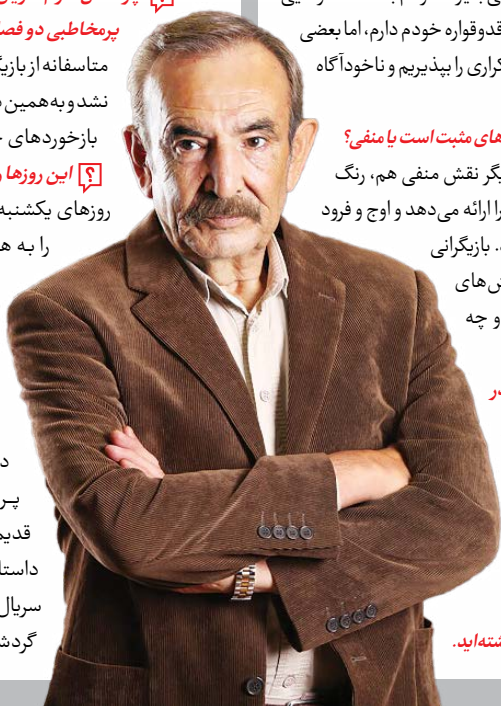
اکثراً با نقش عباس آقای روزگار جوانی. اما شده که آقای دلار هم صدایم بزنند یا درباره نقشم در مدار صفر درجه هم صحبت کنند.

چرا فصل سوم سریال روزگار جوانی به جذابیت و پرمخاطبی دو فصل اول نبود؟

متأسفانه از بازیگران دوسری قبلی استفاده نشد و به همین دلیل، استقبال خوبی نشد و بازخوردهای خیلی مثبتی نگرفتیم.

این روزها را چگونه می گذرانید؟

روزهای یکشنبه برنامه صبح جمعه با شما را به همراه دوستان و همکاران قدیمی ام مثل آقایان اصغر سمسارزاده و عباس محبی ضبط می کنیم. در قصه شب رادیو نمایش هم هستم. در حال بازی در سریالی هستم که کار پربازیری است و رسوم قدیمی و سنتی ایران را در قالب داستان به تصویر می کشد. در این سریال نقش یک مدیر تشکیلات گردشگری را بازی می کنم.



مخاطبان تلویزیون شما را بیشتر با نقش های منفی و خاکستری به یاد می آورند. خودتان چنین نقش هایی را دوست داشتید یا به خاطر فیزیک و چهره و تن صدای تان برای چنین نقش هایی انتخاب می شدید؟

در جهان هم بازیگرانی هستند که بهترین بازی ها را با نقش های منفی ارائه می دهند. نقش های منفی هم جذابیت خودشان را دارند و مکمل نقش های مثبت هستند. اتفاقاً این که بتوانی محبت و مناسبات عاطفی را با نقش های منفی نشان بدهی، برای مخاطب جذاب است. من نقش هایم در سریال هایی مانند باغ گیلان، روزگار جوانی، گرگ ها و آپارتمان را سعی کردم منفی مطلق نبینم. هیچ انسانی خوب مطلق یا بد مطلق نیست. اتفاقاً نقش های خاکستری به دلیل فراز و فرودی که دارند برای مردم باور پذیرتر هستند.

مشکل اینجاست که وقتی یک بازیگر نقش های منفی بازی می کند، بیرون آمدن از زیر سایه این نقش ها خیلی دشوار می شود.

بله متأسفانه. برخی کارگردانان به دنبال الگوهای آسان پسند هستند و وقتی بازیگری یک نقش را خوب بازی کرده باشد، برای نقش های مشابه هم همان بازیگر را انتخاب می کنند و توقع دارند خودش را تکرار کند. این در صورتی است که کارگردانی کاربرد بتواند از یک بازیگر بازی های متفاوتی بگیرد. خودم به شخصه توانایی ایفای هر نقشی را در اندازه و قد و قواره خودم دارم، اما بعضی مواقع مجبوریم نقش های تکراری را بپذیریم و ناخودآگاه کلیشه می شویم.

ترجیح خودتان نقش های مثبت است یا منفی؟

هیچ فرقی نمی کند. یک بازیگر نقش منفی هم، رنگ و لایه های مختلف از زندگی را ارائه می دهد و اوج و فرود انسان را به نمایش می گذارد. بازیگرانی توانا هستند که بتوانند نقش های پیچیده را چه منفی باشد و چه مثبت، بازی کنند.

شما تا به امروز در

سریال های ماندگار و

خاطره انگیز زیادی مثل

گرگ ها، آپارتمان، روزگار

جوانی، مدار صفر

درجه، پهلوانان

نمی میرند، آقای دلار،

باغ گیلان و ... بازی داشته اید.

چرا در سال های اخیر در حوزه بازیگری کم کار شده اید؟

حرفه و شغل اصلی من بازیگری است و توانایی و تجربه اثبات شده هم دارم. اما متأسفانه این روزها رابطه مهم تر شده تا توانایی و تجربه. به قول مرحوم عزت... مقبلی به مای پیشکسوتان می گویند برو و در خانه بنشین، چرا که عمر و کارت تمام شده است. این در حالی است که در همه دنیا، بازیگر تا زمانی که سلامت است و توانایی دارد کار می کند. بازیگر ۹۰ ساله حرمت و جایگاه خودش را دارد اما متأسفانه در ایران، اکثر بازیگران با تجربه بیکار هستند و با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند. حالا که به پختگی رسیده ایم باید از ما استفاده شود. از منی که سالمم و تجربه دارم باید استفاده شود. همین الان وقتی مردم در کوچه و خیابان ما را می بینند می گویند شما قدیمی ها چیز دیگری هستید. البته یکی از دلایل کم کاری ام این است که به هیچ عنوان التماس کسی را نمی کنم. تجربه و سابقه و توانایی مهم است که همه را دارم.

آخرین سریال تان در تلویزیون، آتش و باد مجتبی راعی بود.

بازی در این سریال چگونه تجربه ای بود و بازخوردها و واکنش ها را چگونه دیدید؟

آتش و باد سریال خوبی بود. بالغ بر دو سال در این سریال کار کرده بودم. حتی از اسب افتادم و کمرم آسیب دید. به نظرم باید تبلیغات بیشتری برای آتش و باد می شد. سریال خوبی بود اما آنچنان که باید و شاید دیده نشد.

شما کار بازیگری را از هنرکده آناهیتا با مدیریت مرحوم مصطفی اسکویی آغاز کرده اید. یعنی نگاه تان به بازیگری از ابتدا جدی بوده، درست است؟

من سال ۱۳۴۹ هنرجوی آناهیتا بودم و همان زمان کار تئاتر هم می کردم. سال ۱۳۶۲ از طرف رادیو نمایش دعوت به کار شدم و نمایش های رادیویی را آغاز کردم، اما نگاهم به بازیگری همیشه جدی بوده است. ما قدیمی ها تجربه عملی داریم؛ چیزی که با آموزش در دانشکده ها به هنرجو آموزش داده نمی شود. کار بازیگری حرفه عمل است.

فکر نمی کنید اگر همه توان و وقت تان روی بازیگری متمرکز بود

شاید موفق تر می شدید؟

من از ۱۵ سالگی وارد کار هنر شدم. هنر شاخه های مختلفی دارد و ما هنرمندانی را داریم که فقط در یک حوزه می توانند فعالیت کنند، مثلاً فقط بازیگر باشند یا فقط کار رادیو کنند. من توانسته ام تمام این شاخه های هنر را تجربه کنم و جالب آن که با وجود همه این تلاش ها باز هم زندگی راحتی ندارم. همیشه در حال کارهای مختلف هستم تا امورات زندگی ام بگذرد.



یک بازیگر نقش

منفی رنگ و لایه های

مختلف از زندگی را

ارائه می دهد و اوج

و فرود انسان را به

نمایش می گذارد.

بازیگرانی توانا

هستند که بتوانند

نقش های پیچیده را

چه منفی باشد و چه

مثبت، بازی کنند